

مقام علمی اهل بیت علیهم السلام از منظر زیارت نامه‌ها

حافظ نجفی*

چکیده

زیارت‌نامه‌های معصومین علیهم السلام، که بیشتر از خود آن بزرگواران صادر شده، دربردارنده بسیاری از معارف دینی، به ویژه در زمینه معرفی جایگاه و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان مکرم آن حضرت است. از این رو می‌توان زیارت‌نامه‌های مأثور را شناسنامه خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قلمداد کرد. از فضایل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که در متون زیارت‌نامه‌ها با عبارت‌های مختلف به آنها اشاره شده، جایگاه و مقام علمی آن بزرگواران است. این مقاله، به بررسی منزلت علمی و وسعت اندیشه خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته و روشن ساخته است که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرين علیهم السلام، بدون اینکه مانند دیگران تحصیل علم کرده باشند، سرآمد همه انسان‌ها در علم و معرفت بوده‌اند. به همین دلیل، آن بزرگواران گنجینه علوم الهی شناخته می‌شوند. آنان، که حجت‌های خداوند و حلقه اتصال مبدأ آفرینش و جهان خلقت شمرده می‌شوند، یگانه روشنگران معارف ژرف و بی‌کران قرآن هستند که بدون آنها، بسیاری از معارف الهی در پرده‌ای از ابهام باقی می‌ماند. از این رو، اهل بیت علیهم السلام همیشه مرجع دانش و معرفت مردم در همه دوران‌ها بوده‌اند و حقایق جهان هستی، از سرچشمه دانش آنان به سوی مردم سرازیر شده است.

کلیدواژه‌ها: مقام، علم، اهل بیت علیهم السلام، زیارت‌نامه.

۱. دارای مدرک سطح چهار حوزه علمیه و عضو هیئت علمی گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت.

برابر گزارش‌های معتبر تاریخی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین علیهم السلام همانند بقیه مردم و به روش مرسوم، تحصیل علم نکرده‌اند. با این وصف، آنان سرآمد همه دانشمندان در هر عصر بوده‌اند. این برتری علمی را هم در گفتار و سیره آن بزرگواران (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۸، ص ۱۲۳-۱۲۵) و هم در اعترافات بزرگان و اندیشمندان زمان هر معصوم می‌بینیم. ابوحنیفه همواره درباره امام صادق علیه السلام می‌گفت: «من دانشمندتر از جعفر بن محمد علیه السلام ندیده‌ام» (اسد حیدر، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۵۳). از سخنان مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، این است که «ندید چشمی، نشنید گوشی و نرسید به عقل کسی که بشری از جعفر بن محمد صادق علیه السلام، عالم‌تر، عابدتر و پرهیزکارتر باشد» (همان، ۱۴۲۲ق، ص ۳۷۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اُمی بودند (یعنی هرگز نزد استادی درس نخوانده، قلمی به دست نگرفته و خطی نوشته بودند)؛ اما همه علوم را دارا بودند. معجزه جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، قرآن است که سطح علمی آن، همه اهل دانش و بینش را در طول تاریخ شگفت‌زده کرده است:

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

(دیوان حافظ، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۹)

اهل بیت آن حضرت نیز درس نخوانده، به همه حقایق دانا بودند. درباره امام علی علیه السلام نقل شده است که ایشان، عصاره فضایل همه انبیا و رسولان الهی بودند. ابن عباس گفته است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین گروهی از اصحاب خود نشسته بودند که فرمودند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلُقِهِ، وَإِلَى مُوسَى فِي مُنَاجَاتِهِ، وَإِلَى عِيسَى فِي سُنَّتِهِ، وَإِلَى مُحَمَّدٍ فِي تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ الْمُقْبِلِ فَنَظَرَ النَّاسَ مَتَطَوَّلِينَ فَإِذَا هُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ علیه السلام... (خوارزمی، ۱۴۱۴ق،

ص ۴۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۳۶؛ گنجی شافعی، ۱۳۶۲ش، ص ۴۵).

هر کس می‌خواهد به آدم در علمش، و به نوح در فهمش، و ابراهیم در خویش، و موسی در مناجاتش، و عیسی در سنتش، و محمد در کمالش بنگرد، به این شخصی

که وارد می‌شود، بنگردد... مردم گردن کشیدند تا ببینند کیست که وارد می‌شود.

ناگاه دیدند علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) است که وارد می‌شود.

امام علی (علیه السلام) نیز شخصیت خود را چنین معرفی کرده است:

... إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْفَى إِلَيَّ
الطَّيْرُ (شریف رضی، ۱۳۷۷ش، خطبه ۳).

همانا او (ابوبکر) می‌دانست که جایگاه من در حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است در آسیاب. سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغ دورپرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتواند پرواز کند.

علمای شیعه با در نظر گرفتن این روایات، درباره دانش اهل بیت (علیهم السلام)، دو دیدگاه را بیان کرده‌اند: گروهی، ایشان را عالم به همه احکام و معارف کلی می‌دانند؛ اما دانش به امور جزئی مانند دانستن زمان مرگ افراد را ضروری نمی‌دانند (شیخ مفید، ۱۳۹۳ق، ص ۶۷؛ الشریف المرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۵). در برابر، دسته‌ای دانش امام را شامل همه احکام و امور کلی و جزئی می‌دانند (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲) و درباره دانش امام به همه احکام و معارف، اتفاق نظر دارند و منشأ آن را اموری چون فراگیری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (ابن شاذان، ۱۳۶۳ش، ص ۴۵۹؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۷)، الهام از کلام فرشته (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۶)، رؤیای صادق و مانند آن (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۹-۹۰) و برخی نیز منشأ آن را قیاس و استنباط معصومانه دانسته‌اند (همان، ۱۴۰۴ق، ص ۹۰-۹۱). ضرورت وجود مفسری جامع برای قرآن را که در برخی روایت‌ها به آن اشاره شده است (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۹۲)، می‌توان دست‌مایه علمای شیعه برای استدلال به دانش همه‌جانبه امامان به احکام دین دانست. گذشته از تاریخ و روایات، جایگاه علمی آن شخصیت‌های بزرگ، در زیارت‌نامه‌ها نیز به خوبی بازتاب داده شده است که به‌اندازه مجال اندک این مقاله مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. وسعت اندیشه

در برخی زیارت‌نامه‌ها درباره اهل بیت علیهم‌السلام تعبیری هست که از ظرفیت اندیشه و نیروی فکری فوق‌العاده آن بزرگواران حکایت دارد. در زیارت جامعه عرض می‌کنیم: سلام بر شما ای خاندان پیامبر که «ذَوِي النَّهْيِ...» هستید (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۰). بالاترین درجه از معرفت و شناخت عقلی را نُه‌ی می‌گویند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۹). تعبیر دیگر این است که خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوییم: سلام بر شما ای کسانی که: «أُولِي الْحِجَى...» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۰)؛ یعنی صاحبان فطانت و هوشیاری هستید.

چنین قدرت فکری و نیروی عقلانی در وجود خاندان نبوت، موجب می‌شود سخن و نظر آن بزرگواران، در همه زمینه‌ها فصل‌الخطاب باشد و نشان دهد که آنان توان پاسخ‌گویی به همه نیازهای علمی بشر را دارند. دانش و اندیشه فوق‌العاده معصومین علیهم‌السلام، مربوط به سن یا زمان خاصی نیست؛ چنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد آن بزرگواران، از دوران کودکی تا پایان عمرشان، عالم به همه حقایق بودند. برای مثال، دانش حضرت امام جواد علیه‌السلام باعث شگفتی همه کسانی است که سخنان، مناظرات و مباحثات علمی آن بزرگوار را دیده یا شنیده‌اند. نقل شده است که پس از شهادت حضرت امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام را که کودکی بود، به مسجد پیامبر آوردند. آن حضرت، خود را این گونه معرفی کرد:

أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّضَا أَنَا الْجَوَادُ أَنَا الْعَالِمُ بِأَنْسَابِ النَّاسِ فِي الْأَصْلَابِ أَنَا أَعْلَمُ بِسَرَائِرِكُمْ وَظَوَاهِرِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ عِلْمٌ مَنَحَنَا بِهِ مِنْ قَبْلِ خَلْقِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ... (رجب برسی، ص ۱۵۳).

بدانید من محمد بن علی‌الرضا هستم. من به انساب همه مردم، که در صلب‌هایشان هست، دانا هستم. من باطن‌ها و ظاهرهای شما را می‌دانم و می‌دانم سرانجام کار شما به کجا منتهی خواهد شد. عاقبت همه‌تان را می‌دانم (عاقبت کدام یک بد، و کدام یک خوب است). این علمی است که خداوند، پیش از آفریدن همه جهانیان، آن را به ما

داده است... اگر اهل باطل تظاهر به باطل نمی کردند و اگر این دولت گمراه و اهل ضلال و این تردیدافکنان نبودند، چیزی می گفتم که اولین و آخرین تعجب کنند... همچنین از جلوه های علمی حضرت امام جواد علیه السلام نحوه پاسخ گویی به سؤال یحیی بن اکثم است که پرسید: یا أَبَا جَعْفَرٍ، چه می گویی درباره مُحَرَمی که در حال احرام شکار کرده است؟ امام جواد علیه السلام با طرح انواع سؤال ها درباره شکار، تعجب همگان را برانگیخت (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹۲). امام در ادامه، با طرح این سؤال که چگونه می شود زنی در طی یک روز، چند نوبت حلال و سپس حرام گردد و دادن پاسخ به آن، همه علمای حاضر در جلسه را شگفت زده کردند (ابن حجر هیتمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۹۷ - ۵۹۸). آنچه گفته شد، نشان می دهد حضرات معصومین علیهم السلام عقل کل هستند و اگر فاقد این نعمت الهی بودند، نمی توانستند در جایگاه عصمت قرار گیرند؛ زیرا تنها کسانی شایستگی این مقام را دارند که به واسطه کمال عقل، از هر گونه خطا و اشتباه در امان باشند.

۲. اهل بیت علیهم السلام گنجینه های علوم الهی

تاریخ، گواهی می دهد دانشمندان هر عصری، به فوق العادگی علمی ائمه معصومین علیهم السلام اعتراف کرده و آنان را گنجینه علوم دانسته اند.

از تعبیرهای زیارت نامه های حضرات معصومین علیهم السلام، این است که به آن بزرگواران عرض می کنیم: سلام بر شما که «خُزَّانَ الْعِلْمِ» یا «عَبَائَةِ عِلْمِهِ» (گنجینه های علم الهی) هستید (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۰ - ۶۱۱). اگر بر کسی «خزانه دار یا عبیه» اطلاق شود؛ یعنی سینه آن شخص جایگاه سر است و او انسان امینی است (خلیل بن احمد، ج ۲، ص ۲۶۳). حضرات معصومین علیهم السلام، درواقع صندوق علوم الهی و محل ظهور علم خدای سبحان هستند. بر پایه آیات و روایات، علم پروردگار به چند دسته تقسیم می شود: بخشی از آن، علم عام است که خداوند متعال در اختیار عموم انسان ها قرار می دهد. در بسیاری آیات قرآن، از این نوع علم سخن به میان آمده است: «يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱؛ همچنین ر.ک: علق: ۵)؛ «خدا به شما چیزهایی می آموزد که نمی دانستید». این آیه و ده ها آیه مشابه، حکایت از این حقیقت دارد که

تمام دانستنی‌های بشر در عالم دنیا، جلوه‌ای از علم خداوند است. نوع دوم از علم پروردگار، آن دانشی است که خداوند آن را فقط به فرشتگان مقرب و برگزیدگان از انسان‌ها عطا می‌کند؛ مانند انبیا و اولیای الهی. اما علم دیگری وجود دارد که علم مکنون و مستور الهی است و خدای سبحان این نوع علم را در اختیار هیچ موجودی قرار نمی‌دهد و هیچ‌کس از این علوم آگاه نیست. سخن امام صادق علیه السلام به دو نوع اخیر اشاره دارد که فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ عِلْمٌ مَكْنُونٌ مَخْزُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ وَعِلْمٌ عَلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ فَتَحْنُ نَعْلَمُهُ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۴۷).

همانا خدا را دو علم است: ۱. علم نهفته و در خزانه الهی که جز او کسی آن را نمی‌داند و بدا از این علم است؛ ۲. علمی که به ملائکه و رسولان و پیغمبرانش تعلیم داده که ما آن را می‌دانیم.

چه بسا مراد از علم در عبارت «عَمِيَّةٌ عِلْمُهُ»، این باشد که اهل بیت اطهار علیهم السلام از همین علم خاص، که خداوند به فرشتگان و رسولانش می‌آموزد، برخوردار هستند. در زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْمَخْزُونِ وَعَارِفَ الْغَيْبِ الْمَكْنُونِ وَحَافِظَ السِّرِّ الْمَصُونِ وَالْعَالِمِ بِمَا كَانَ وَيَكُونُ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۵).

سلام بر تو ای کسی که دانای امور پنهانی هستی! سلام بر تو ای صاحب دانش ذخیره‌شده و آشنا به غیب و نگهبان راز نگه‌داشته شده و ای کسی که دانایی به آنچه واقع شده است و واقع خواهد شد.

از دیگر عبارت‌های زیارت‌نامه‌ها در خصوص مقام علمی اهل بیت علیهم السلام، عبارت «مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ» است. در تعریف حکمت می‌گویند: «الحكمة إصابة الحق بالعلم والعقل؛ حکمت به معنای رسیدن به حق است به سبب علم و عقل» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۶۷).

در بیان دیگر آمده است که حکمت، دانشی است همراه با عمل یا علم لدنی که خداوند بعد از عمل به قلب انسان افاضه می‌کند (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۴۴).

با این معنا می‌توان درباره عبارت زیارت‌نامه چنین گفت که شما اهل بیت علیهم‌السلام معادن مت پروردگار هستید. خداو حکمت خویش را در وجود شما قرار داده است تا ثبات و ماندگاری کامل یابد و از هر آفتی درامان بماند.

از آنجا که حضرات معصومین علیهم‌السلام در اوج قله عبودیت‌اند، خداوند آنان را برای اعطای حکمت برگزیده و همه حکمت‌ها را در اختیار آنان قرار داده است؛ چنان‌که در زیارت جامعه، خطاب به معصومین علیهم‌السلام می‌گوییم: «اَضْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۱).^۱ این جمله، اشاره به آن است که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام شایستگی این دانش را داشته‌اند؛ از این رو خداوند آنان را برگزیده و خزانه‌داران علم خود ساخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۱۳۷).

۳. اهل بیت علیهم‌السلام وارث علوم انبیا و اوصیا

از تعبیرهای پُرکاربرد در زیارت‌نامه‌ها، که دلیلی دیگر بر مقام علمی و دانش‌بی‌پایان حضرات معصومین علیهم‌السلام شمرده می‌شود، این است که اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارث پیامبران‌اند و دانش پیامبران را به ارث برده‌اند. از دلایل فضیلت و برتری امام علی علیه‌السلام، که سرچشمه همه فضایل و میزان حق و فضیلت شناخته شده، این است که ایشان وارث علوم همه پیامبران است؛ چنان‌که در زیارت ایشان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ...» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۳)؛ سلام بر تو ای امیر مؤمنان و ای کسی که دانش پیامبران را به ارث برده‌ای و در فراز دیگر عرض می‌کنیم: «وَمِيرَاثَ النَّبُوَّةِ عِنْدَكَ...» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۷۰)؛ و سلام بر تو ای کسی که میراث نبوت نزد تو است.

در پاره‌ای روایات، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، نقطه جمع علوم همه پیامبران معرفی شده‌اند؛ یعنی همه آنچه را انبیا می‌دانستند، دارند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «همانا خدای عزوجل

۱. خداوند شما را برای دانش خود برگزید.

سنت‌های تمام پیغمبران را، از آدم تا برسد به خود محمد ﷺ برای او گرد آورد». عرض شد: آن سنت‌ها چه بود؟ فرمود: «عِلْمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ؛ همه علوم پیغمبران». سپس فرمود: «وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَيَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ... (همان، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۲۳)؛ و رسول خدا ﷺ نیز تمام آن را به امیر المؤمنین ﷺ تحویل داد».

البته همه خاندان نبوت ﷺ در این فضیلت، سهیم هستند؛ چنان مفضل بن عمر از امام صادق ﷺ روایت کرد که فرمودند:

إِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ وَإِنَّ مُحَمَّدًا وَرِثَ سُلَيْمَانَ وَإِنَّا وَرِثْنَا مُحَمَّدًا وَإِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَتَيَّانَ مَا فِي الْأَلْوَحِ... (همان، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

همانا سلیمان از داود ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و ما از محمد ارث بردیم.

علم تورات و انجیل و بیان آنچه در الواح (جناب موسی ﷺ) بود، نزد ماست.

از همین روست که در زیارت جامع، عبارت «وَوَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ...» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۰) درباره همه اهل بیت ﷺ آمده است.

از عبدالله جندب روایت شده است که حضرت رضا ﷺ به او نوشت:

اما بعد؛ همانا محمد ﷺ امین خدا بود میان خلقش و چون آن حضرت ﷺ در گذشت،

ما خانواده وارث او شدیم. پس ما هستیم امین‌های خداوند در زمین. علم بلاها و مُردن‌ها

و نژاد عرب و تولد اسلام نزد ماست (معنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می‌شناسیم و از

محل تولد اسلام که دل انسان است، آگاهیم) و چون هر مردی را ببینیم، می‌شناسیم که

او حقیقتاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدران‌شان، نزد ما ثبت است... ماییم

نجیب و رستگار و ماییم بازماندگان پیغمبران و ماییم فرزندان اوصیا:

وَنَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَنَحْنُ

أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ... (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۲۴)

و ما در کتاب خدای عزوجل خصوصیت داریم و ما به قرآن سزاوارترین تا مردم

دیگر و ما به پیغمبر نزدیک‌ترین تا مردم دیگر... .

۴. اهل بیت علیهم السلام مصداق اهل ذکر

تعبیر دیگری که در آیات و روایات و در زیارت‌نامه‌ها هست و از علوم گسترده اهل بیت علیهم السلام حکایت دارد، این است که آنان، اهل ذکرند و طبق دستور قرآن، مردم موظف هستند درباره نیازهای فکری خود از آنان پرسند: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾ (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷). زراره درباره معنای این آیه از امام باقر علیه السلام پرسید و گفت: «فَأَنْتُمْ الْمَسْئُولُونَ»؟ یعنی آیا شما حضرات معصومین علیهم السلام مسئول پاسخ‌گویی به مردم هستید؟ حضرت فرمودند: «بله». زراره گفت: «پس وظیفه ما این است که از شما پرسیم»؟ حضرت فرمودند: «بله...». سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (ص: ۳۹)؛ «این عطای ماست. به هرکس می‌خواهی (و صلاح می‌بینی)، ببخش و از هرکس می‌خواهی، امساک کن و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۸).

لزوم مراجعه به اهل بیت علیهم السلام و سؤال از آنان، مطلبی است که در زیارت‌نامه‌ها نیز مطرح شده؛ چنان‌که در زیارت جامعه آمده: «وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ...». (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۲۶).

اینکه می‌گوییم اهل بیت علیهم السلام اهل ذکرند (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۲)؛ یعنی برای فهم حقایق دین و معارف قرآن، نزد دیگران نباید رفت و فقط اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله هستند که به حقایق دین و قرآن دانایند؛ زیرا خورشید دین در آسمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش طلوع کرده و قرآن در خانه اینان نازل شده است و صاحبخانه بهتر می‌داند که در خانه چه [خبر] هست. مخاطبان اصلی قرآن نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان پاک ایشان‌اند: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۲)؛ «همانا قرآن را کسی می‌شناسد که مورد خطاب قرآن باشد». ابان از سلیم بن قیس هلالی نقل می‌کند که گفت: در مسجد کوفه، خدمت امیر المؤمنین علیه السلام نشسته بودم و مردم گرد آن حضرت بودند. حضرت فرمود:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا وَ قَدْ أَقْرَأْنَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا.. (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق،

ج ۲، ص ۸۰۲)

از من بپرسید قبل از آنکه مرا نیابید. درباره کتاب خدا از من بپرسید. به خدا قسم! هیچ آیه‌ای از کتاب خدا نازل نشده است مگر آنکه پیامبر ﷺ برای من خوانده تا من هم بخوانم، و تأویل آن را به من آموخته است.

امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون بودند که درباره آیه ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ سؤال به میان آمد. امام علیه السلام فرمود: «فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ «اهل ذکر ما هستیم که خداوند در کتابش فرموده است: اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر بپرسید». علما گفتند: منظور از اهل ذکر، دانشمندان یهود و نصارا هستند. امام علیه السلام فرمود: «اگر این حرف درست است، ما را به دین خود خوانند و گویند آن از اسلام افضل است»؟! مأمون گفت: ای ابوالحسن، شرح و بیانی بر رد گفتار اینان دارید؟ فرمود:

نَعَمْ الذِّكْرُ رَسُولُ اللَّهِ وَنَحْنُ أَهْلُهُ وَذَلِكَ بَيْنَ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِقَوْلِهِ فِي سُورَةِ الطَّلَاقِ ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ﴾ (طلاق: ۹-۱۰) فَالذِّكْرُ رَسُولُ اللَّهِ وَنَحْنُ أَهْلُهُ....
(ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۵).

بلی ذکر پیغمبر است و ما اهل ذکر هستیم و این را در کتاب خدا در سوره طلاق بیان نموده است که فرمود: ای خردمندان که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید خداوند برای شما ذکری فرستاده پیامبری که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت کند پس ذکر رسول خداست و ما اهل او هستیم....

۵. اهل بیت علیهم السلام دارای علم غیب

از موضوعات مطرح درباره پیامبر ﷺ و خاندان مطهر ایشان علیهم السلام، این است که آیا آن بزرگواران به غیب علم دارند؟ به عبارتی، آیا آنان از امور باطنی و پنهانی عالم مطلع‌اند یا خیر؟ اگر این علم را دارند، کم و کیف و شرایط و ویژگی‌های آن چیست؟ برای روشن شدن چنین مطلبی، ناگزیر باید از قرآن و روایات بهره گرفت. برای غیب چندین معنا ذکر کرده‌اند؛ از جمله علم به زمان قیامت، و علم به وقایع و

اتفاقات گذشته و آینده (نجفی بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۶۴؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۴۸).
علی بن ابراهیم قمی می گوید:

سخن خدای تعالی که فرمود: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا...﴾، به این
معناست که خداوند متعال، پیامبرش را که پسندیده است، با خبر می کند از وقایع
و اتفاقات گذشته و از خبرهای آینده مانند اخبار مربوط به قائم آل محمد و رجعت
ائمّه و وقوع قیامت ... (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹۱).

بر اساس تصریح برخی آیات قرآن، خدای تعالی علم به غیب را منحصر در ذات اقدس
خود دانسته و فرموده است: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ (انعام: ۵۹)؛ «کلیدهای
غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او کسی آنها را نمی داند». ﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (نمل: ۶۵)؛ «و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر اینکه در کتاب
مبین (در لوح محفوظ و علم بی پایان پروردگار) ثبت است»!

اما در آیاتی دیگر، این عموم تخصیص خورده و آمده است: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى
غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ...﴾ (جن ۲۶ و ۲۷؛ همچنین ر.ک: آل عمران: ۱۷۹)؛ «خدا
عالم به غیب است و احدی را از غیب خود آگاه نمی سازد؛ مگر رسولی که مورد رضایت اوست و
برای نبوت برگزیده».

یعنی علم غیب، ذاتاً منحصر به خداست؛ ولی خداوند متعال، گروهی از بندگان مورد پسندش
را بر علم غیب آگاه می کند؛ مانند پیامبران و اهل بیت حضرت محمد ﷺ. از این رو بحث علم غیب،
به عنوان یکی از فضیلت های اهل بیت ﷺ در زیارت نامه ها به صورت های مختلف وارد شده است.
در زیارت جامعه آمده است: «ارْتَضَاكُمْ لَغَيْبِهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱۱). این فراز از
زیارت، به مفاد همان آیه اشاره دارد که به نصیب و بهره اهل بیت ﷺ از علوم غیبی پرداخته است.
امام باقر عجلایه در تفسیر آیه شریفه: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ...﴾
(جن: ۲۶ و ۲۷) فرمود: «وَكَانَ وَاللَّهِ مُحَمَّدٌ مِمَّنْ ارْتَضَاهُ... به خدا قسم محمد ﷺ از کسانی بود که
خداوند پسندیده بود» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۵۶). از امام رضا عجلایه درباره این آیه آمده است:

فَرَسُوهُ اللَّهُ عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضًى وَنَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أطلعَهُ اللَّهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ فَعَلِمْنَا مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ... (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۴۳).

پس رسول خدا مورد رضایت خداوند است و ما وارثان آن پیامبریم که خداوند، وی را بر آنچه از غیب که می‌خواست، آگاهانید. به همین خاطر، ما گذشته‌ها و آینده‌ها را تا روز قیامت دانستیم...

عبارت «ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ»، به این معناست که خداوند سبحان، اراده فرمود آنان را به طور کامل از غیب و پشت پرده‌های حکمت‌های الهی باخبر سازد تا عظمت وجودی خود را به طور کامل در ذات آنان جلوه‌گر کند. اگر اذن خدای سبحان نبود، حتی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) نیز از غیب مطلع نمی‌شدند و اخبار غیب در دست آنان قرار نمی‌گرفت.

برخی نمونه‌ها از علم غیب معصومین (علیهم‌السلام)

وقایع و رخدادهای زیادی در زندگی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در منابع معتبر تاریخی و روایی نقل شده است که از علم و اطلاع آنان از امور غیبی حکایت دارد. راوی می‌گوید که در محضر امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) بودم. شنیدم می‌فرمود: «لَوْ وَجَدْتُ رَجُلًا ثِقَةً لَبَعَثْتُ مَعَهُ هَذَا الْمَالِ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَى شِيعَةٍ؛ اگر آدم موثق و مورد اطمینان پیدا کنم، به مدائن می‌فرستم تا این مال را به یک شیعه برساند!» یکی از اصحاب گفت: «در قلب من چنین خطور کرد که چون امام به من اطمینان دارد، به امام می‌گویم آن مال را به من بده تا به مدائن ببرم؛ ولی در قلبم تصمیم داشتم وقتی از امام گرفتم، به کرخه ببرم و خودم استفاده کنم». رفتم خدمت امام و گفتم: من در خدمت شما هستم تا آن مال را به مدائن ببرم». امام سرش را بلند کرد و فرمود: «إِلَيْكَ عَنِّي خُذْ طَرِيقَ الْكَرْخَةِ؛ از من دور شو؛ برو همان کرخه که تصمیم داشتی» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۰).

از این رخداد به خوبی معلوم می‌شود که آن بزرگواران، از امور باطنی، حتی از خطورات قلبی انسان‌ها نیز آگاه‌اند. از همین‌روست که در یکی از زیارت‌نامه‌های حضرت علی (علیه‌السلام)، درباره علم امام به خطورات قلبی، این جملات را عرضه می‌داریم:

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَرَانِي وَ تُبْصِرُنِي، وَ تَعْرِفُ كَلَامِي وَ

تُحِينِي، وَتَعْرِفُ مَا يُحِبُّهُ قَلْبِي وَضَمِيرِي، فَاشْهَدْ يَا مَوْلَايَ وَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۱۰).

پدر و مادرم فدای تو باد ای امیر المؤمنین! گواهی می‌دهم که تو (ظاهر و باطن) مرا می‌بینی. سخنم را می‌شناسی (می‌دانی) و پاسخ می‌دهی. می‌شناسی (می‌دانی) آنچه را در سینه پنهان دارم. پس گواه باش ای مولای من، شفاعت کن از من نزد پروردگارت درباره برآورده شدن حاجت‌هایم.

همچنین از فردی به نام ابراهیم بن ابومَهْزَم نقل شده است که گفت: شبانگاه از نزد امام صادق (ع) حرکت کردم و به خانه‌ام در مدینه رسیدم و مادرم همراهم بود، و سخنی میان من و مادرم به میان آمد که من به مادرم درشت گفتم، بامداد پس از نماز، دوباره نزد آن حضرت رفتم. به محضی که نزد حضرت رسیدم، بی مقدمه به من فرمود:

يَا أَبَا مَهْزَمٍ مَا لَكَ وَلِلْوَالِدَةِ أَغْلَظْتَ فِي كَلَامِهَا الْبَارِحَةَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بَطْنَهَا مَنَزِلٌ قَدْ سَكَنَتْهُ وَأَنَّ جَبْرَهَا مَهْدٌ قَدْ غَمَزَتْهُ وَنَدِيهَا وَعَاءٌ قَدْ شَرِبَتْهُ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَلَا تُغْلِظْ لَهَا (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳).

ای ابامهزم، تو را چه شده است که دیشب با مادر خود درشت سخن گفתי؟ آیا نمی‌دانی که شکمش، منزلی بوده است که در آن، جا گرفتی و دامنش، گهواره‌ای بوده است که تو را در خود جای داده، و پستانش، ظرفی بوده که تو از آن شیر خوردی؟ گوید، گفتم: آری. فرمود: پس با او درشتی نکن.

همچنی «از شخصی به نام حسن بن علی و شاء، که اول واقفی بود و بعد مستبصر شد و به راه حق برگشت، نقل شده است که گفت:

من در امامت امام رضا (ع) تردید داشتم. برای اینکه مطلب برایم روشن شود، مسائل زیادی را جمع کردم و در طوماری نوشتم تا به ایشان بدهم و جواب بگیرم. طومار را در آستینم [جیم] نهادم و به خانه امام رضا (ع) رفتم. دیدم انبوه جمعیت در رفت و آمدند. گوشه‌ای ایستادم. مطمئن شدم نوبت ملاقات به من نخواهد رسید. در همین حال، دیدم خادم امام از خانه بیرون آمد و میان جمعیت صدا زد: حسن بن علی و شاء

یست؟ گفتم: منم. دیدم به سمت من آمد. طوماری در دستش بود، آن رابه من داد و گفت: جواب مسائلی که در آستین [جیب] خود داری. من از این حرف، غرق در تعجب و حیرت شدم که یعنی چه؟! مسائل تحویل نداده، جوابش داده شده است. طومار را گرفتم، به گوشه‌ای رفتم و نشستم و آن را باز کردم. دیدم به تمام مسائلی که در آستینم [جیبم] بوده، جواب‌های فی داده شده است. آنجا دست به آسمان برداشتم و گفتم: خدایا شاهد باش که من به امامت حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام ایمان آوردم و معتقد شدم که او حجت تو میان بندگان تو است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۲۹).

این موارد، که نمونه‌ای از هزاران رخداد در زندگی حضرات معصومین علیهم السلام است، با روایات دیگری که علم اهل بیت علیهم السلام به موضوع عالم ذر و همچنین علم آنان به جفر و... را گزارش می‌کند، تقویت می‌شود.

در روایت آمده است که مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: «من به شما ارادت دارم». حضرت فرمودند: «دروغ می‌گویی!» آن مرد گفت: «سبحان الله! گویا شما درون قلب من را می‌بینی؟» حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفَنِيِّ عَامٍ ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَيْنَا فَأَيْنَ كُنْتَ لَمْ أَرَكَ (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۷).

خداوند، روح‌ها را دو هزار سال قبل از بدن‌ها آفرید. سپس آن را بر ما عرضه کرد. شما کجا بودی، ندیدم؟ (یعنی تو را در شمار اصحاب و نزدیکانم نمی‌بینم).

همچنین نقل شده است که ابونواس شاعر، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسید و چند بیت شعری را که در مدح آن حضرت گفته بود، در حضور امام خواند. آنگاه امام علیه السلام رُقعهِ‌ای (تکه کاغذ یا پارچه‌ای که چیزی بر آن نوشته شود) درآورد و آن را به ابونواس نشان داد. او با کمال تعجب دید، عین ابیاتش در آن رقعهِ به خط روشن نوشته شده است و حال آنکه او آن ابیات را دیشب گفته بود و احدی از آن آگاه نبود! با کمال تعجب و حیرت گفت: «مولای من، به خدا قسم این شعر را کسی نگفته و من نیز کسی از آن آگاه نبوده و از من نشنیده است؛ درحالی‌که آن را در رقعهِ شما می‌بینم!» امام علیه السلام فرمودند:

تو راست می‌گویی. شعر از آن تو است و کسی هم تا به حال از تو نشنیده است؛ اما در جفر و جامعه‌ای که نزد من است، نوشته شده که تو مرا به این ابیات مدح خواهی کرد (شمس‌الدین آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۹۴).

بیجه‌گیری

در این مقاله دانش معصومین علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفت و با ذکر دلایلی از روایات و زیارتنامه‌ها که در متون معتبر شیعه وجود دارد روشن شد که آنان به دلیل برخورداری از اندیشه و نیروی فکری فوق‌العاده، دارای معرفت و دانش بالایی بودند که در پرتو آن می‌توانستند پاسخگوی کلیه نیازهای علمی بشر باشند. به گواهی ایشمندان، خصوصاً ائمه اربعه اهل سنت و علمای طراز اول در زمان هر کدام از معصومین علیهم‌السلام، سخن و نظر آن بزرگواران در همه زمینه‌ها فصل الخطاب بوده است. ظرفیت عظیم علمی و اندیشه فوق‌العاده حضرات معصومین علیهم‌السلام اکتسابی نبوده و مربوط به سن یا زمان خاصی نیست، آن بزرگواران از دوران کودکی تا پایان عمرشان عالم به همه حقایق بودند! بر اساس روایات، اهل بیت علیهم‌السلام وارث علوم انبیاء و اوصیاء و مصداق اهل ذکر و آگاه به اسرار و امور باطنی عالم هستند که نمونه‌هایی از علوم غیبی معصومین علیهم‌السلام مورد اشاره واقع شد.

منابع

١. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ... مکارم شیرازی.
٢. ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله (١٣٨٥ش). شرح نهج البلاغة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.
٣. ابن حجر هيثمی، احمد بن محمد (١٤١٧ق). الصواعق المحرقة، به كوشش عبدالرحمن و كامل محمد، لبنان، الرسالة.
٤. ابن شاذان، فضل بن شاذان (١٣٦٣ش). الإيضاح، تحقيق جلال الدين الحسيني الارموي المحدث، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
٥. ابن شعبة، حسن بن علي (١٤٠٤ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، مؤسسه النشر الإسلامي، چاپ دوم.
٦. ابن مشهدي، محمد بن جعفر (١٤١٩ق). المزار الكبير، تحقيق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٧. بلاغي، محمدجواد (١٤٢٠ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
٨. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، بیروت، مؤسسه اعلمی.
٩. حافظ، شمس الدین محمد، دیوان حافظ (١٣٨٩ش). خط استاد سلحشور، انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
١٠. حیدر، اسد، (١٤٢٢ق). الإمام الصادق و المذاهب الأربعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
١١. خوارزمی، موفق بن أحمد (١٤١٤ق). المناقب، تحقيق مالك المحمودی، قم، مؤسسه النشر الإسلامي، الطبعة الثانية.
١٢. راغب اصفهانی حسین بن محمد (١٤٢٧ق). مفردات ألفاظ القرآن، تحقيق صفوان داودی، قم، طليعه نور.

۱۳. سليم بن قيس هلالی (۱۴۰۵ق). اسرار آل محمد ﷺ: ترجمه كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی.
۱۴. شریف رضی، محمد بن الحسین (۱۳۷۷ش). نهج البلاغة، التحقيق للدكتور صبحی صالح، الطبعة الأولى.
۱۵. شمس‌الدین آملی، محمد بن محمود (۱۳۸۱ش). نفائس الفنون فی عرایس العیون، تصحیح علامه شعرانی، طهران.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). علل الشرائع، النجف الأشرف، منشورات المكتبة الحیدریّة، نشر وتصویر: قم المقدّسة، مكتبة الداوری.
۱۷. _____ (۱۴۰۴ق). من لا یحضره الفقیه، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی.
۱۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، محقق/ مصحح: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب.
۱۹. صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، قم، مكتبة آية الله المرعشي.
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة، قم، مؤسّسة البعثة، الطبعة الأولى.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش). أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۲۲. علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۰۵ق). رسائل المرتضی، تحقیق السید احمد الحسینی، قم، منشورات دار القرآن الکریم.
۲۳. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). الخرائج و الجرائح، قم، تحقیق و نشر مؤسّسة الإمام المهدي ﷺ، چاپ اول.
۲۴. قمی، علی بن إبراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم المقدّسة، مؤسّسة دار الكتاب.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ق). الکافی، تحقیق علی اکبر الغفاری، طهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية.
۲۶. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۳۶۲ش). کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت ﷺ، الطبعة الثالثة.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق هاشم الرسولي ا حلّاتی، طهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الأولى.

٢٨. _____ (١٤٠٣ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار احياء

التراث العربى، چاپ دوم.

٢٩. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق). الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل

البيت عليه السلام، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.

٣٠. _____ (١٣٩٣ق). أوائل المقالات فى المذاهب المختارات، النجف، تقديم شيخ

الإسلام الزنجاني، المطبعة الحيدريّة.

٣١. نوبختى، حسن بن موسى (١٤٠٤ق). فرق الشيعة، بيروت، دار الأضواء.